

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۶۱ آذر ۱۴۰۰

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

## زمینه های اقتصادی تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان



سال های پایانی دوران رضا شاه اقتصاد کشور گرفتار بحران عمیقی شده بود، از یک سو کسری بودجه، از سوی دیگر رکود همراه با تورم شدید

و روز افزون مردم بویژه تهیدستان را با مشقت بزرگی در بدست آوردن آذوقه و مایحتاج روزانه روبرو کرده بود، در این سال ها شتاب رشد کاهش یافته، طرح های بزرگ اقتصادی تعطیل شده و بیکاری اوج گرفته بود.

رضا شاه که در سال های نخست از حمایت مردم، روشنفکران و کارشناسان برخوردار بود، در سال های پایانی این حمایت را از دست داده، روشنفکران و کارشناسان را از خود رانده، سرکوب و خفقان را برای حفظ نظام خود در پیش گرفته بود، در نتیجه بخش مهمی از بودجه کشور را برای ارتش و نیرو های امنیتی که به آنها تکیه کرده بود هزینه می کرد، ماشین دولتی و بوروکراتیک خود را همراه با پادگان های نظامی گسترش می داد که هیچگونه تاثیری در افزایش تولیدات مورد نیاز نداشتند، تنها مصرف کننده منابعی بودند که از سوی کشاورزان و یا زحمتکشان صنایع ضعیف با ارزش افزوده اندک تولید می شدند. در این میان آغاز جنگ دوم بازار های خارجی محصولات ایران ( غله، برنج، پنبه، حبوبات، خشکبار، فرش، کتیرا ) را هم به شدت محدود کرده بود و دولت از ارزش های مورد نیاز محروم شده بود.

ادامه درص ۸

## اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان به مناسبت هفتاد و ششمین سالگرد تشکیل حکومت ملی خودمختار آذربایجان

روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴، هفتاد و شش سال قبل، جنبش خودمختاری آذربایجان به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و یاران سید جعفر پیشه وری به پیروزی رسید و حکومت خودمختار آذربایجان تشکیل گردید.

جنبش برای کسب خودمختاری آذربایجان با انتشار بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ توسط عده ای از مبارزان خوشنام آذربایجان و سید جعفر پیشه وری و تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان آغاز شد. بیانیه ۱۲ شهریور بر اساس مواد قانون اساسی انقلاب مشروطه ایران مبنی بر تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و اداره امور محلی توسط نمایندگان برگزیده ساکنین همان ایالت ها، مردم عدالتخواه و زحمتکشان آذربایجان را که از زورگویی خان ها و فئودالها و ظلم و جور ادارات و مامورین دولتی دستگاه دیکتاتوری رضا شاه و فرزند او به جان آمده بودند، با هدف تعیین سرنوشت خود، برای تأسیس دستگاه اداری خودمختار دعوت نمود.

ادامه درص ۲

این بیانیه چنین آغاز می شود:

## جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴ - ریشه در تاریخ دارد

مبارزه مردم ایران در راه آزادی و استقلال ملی تاریخ یکصد و پنجاه ساله دارد. این تاریخ فرازاها و نشیب هایی دیده، از اوج و حضیض هایی گذشته است. اما هر فرازی



از فراز پیشین فراتر و اوجی از اوج پیشین بالاتر بوده است.

ادامه درص ۴

قیام تنباکو (۱۲۷۰)،

در این شماره:

ص ۱۰ ادی از جنبش بیست و یکم آذر

ص ۱۳ یک سند تاریخی:

ص ۱۵ آذربایجان ملی حکومتینین فدائی

## خدمات و اصلاحات اقتصادی حکومت ملی

بعد از استقرار و تشکیل حکومت ملی، برای اجرای برنامه هایی که وعده آنها را داده بود دست به کار شد و برای اجرای این برنامه ها علاوه بر اصلاحات فرهنگی دست به اصلاحات



اقتصادی و رفاهی هم زد تا هر چه بیشتر رفاه و آسایش ملت آذربایجان را بر آورده سازد.

ادامه درص ۶

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان....

« اصل ۱- ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به مردم آذربایجان آزادی داخلی و خود مختاری مدنی داده شود تا بتوانند در پیشبرد فرهنگ خود و ترقی و آبادی آذربایجان با مرعی داشتن قوانین عادلانه کشور، سرنوشت خود را تعیین نمایند.»

اهداف ترقی خواهانه بیانیه ۱۲ شهریور تنها به آذربایجان محدود نمی شود، بلکه خواستار گسترش این جنبش متری و عدالتخواهانه به سراسر ایران است. با همین آرزو است که این بیانیه با جملات بعدی به پایان می رسد. « ما ابتدا از آذربایجان که خانه ما است شروع می کنیم و ایمان داریم که اصلاح و ترقی آذربایجان موجب ترقی ایران خواهد شد و بدین وسیله میهن از دست قلدرها و مرتجعین نجات خواهد یافت.»

علل پیدایش این جنبش در آذربایجان را می توان به طور کلی به سه عامل نسبت داد. وضعیت اسفناک و وخیم اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان آذربایجانی، سنت های تاریخی و قیام ها و مبارزات خلق آذربایجان و نیز وضعیت کشور در شرایط بین المللی دوران جنگ جهانی دوم .

آذربایجان که تا آغاز حکومت رضاشاه، ولیعهد نشین و از آباد ترین ایالت های ایران بود، در نتیجه سیاست های تبعیض آمیز اجتماعی و اقتصادی و ظلم و ستم و تحقیر حکومت بیست ساله رضاخان به یکی از مناطق عقب افتاده کشور تبدیل شده بود. ستم مضاعف و ظلم و تجاوزات فئودالها و استثمار بیرحمانه و نابودی مشاغل، آذربایجانی ها را وادار به مهاجرت به دیگر نقاط کشور کرده بود .

خلق آذربایجان به رهبری ستارخان و باقرخان و حیدر عمواغلی برای پیروزی انقلاب مشروطه با قوای مداخله گر تزار روسیه و نیروهای مرتجع محمد علی شاه قاجار پیروزمندانه جنگیده بود. آذربایجانی ها به رهبری شیخ محمد خیابانی علیه استبداد و ارتجاع داخلی و تقسیم ایران بین دو قدرت استعماری روس و انگلیس قیام کرده بودند. در هنگام آغاز جنبش ۲۱ آذر هنوز عده ای از یاران ستارخان و شیخ

محمد خیابانی زنده بودند و تجارب درخشان خود را در اختیار این جنبش گذاشتند.

در هنگام اشغال ایران توسط متفقین که به علت روابط و همکاری های دولت رضاشاه و رژیم فاشیستی هیتلر انجام شد، نیروهای نظامی استعماری و امپریالیستی انگلستان که همواره مدافع منافع رژیم ها و طبقات مرتجع و غارتگر و ضد مردمی است، اجازه ورود و استقرار در آذربایجان را نداشتند.

رشد سریع جنبش برای کسب خودمختاری، حکومت مرکزی مرتجع و و فئودالها و ملاکین ارتجائی و غارتگر را به وحشت انداخت. ولی علیرغم حملات مسلحانه دائمی تفنگداران خوانین غارتگر آذربایجانی و ژاندارم های دولت به فعالین و دفاتر فرقه، استقبال مردم برای عضویت در فرقه و پیوستن به جنبش بسیار شورانگیز بود. سازمان ایالتی حزب توده ایران با بیش از ۶۰ هزار عضو خود نیز به فرقه دمکرات آذربایجان پیوست. بسیاری از افسران توده ای از دیگر نقاط کشور داوطلبانه به جنبش آذربایجان پیوستند تا فدائیان فرقه و حکومت ملی آذربایجان را برای مقابله با تفنگداران متجاوز خان ها و فئودالهای مرتجع آموزش دهند. کثرت استقبال مردم از جنبش خودمختاری چنان بود که به زودی نمایندگان مردم برای تشکیل انجمن های دهات و بخش ها و شهرها انتخاب گردیدند و پس از طی شدن همه مراحل، سرانجام مجلس ملی آذربایجان در روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ افتتاح گردید. مجلس نمایندگان آذربایجان با تشکیل دولت خودمختار آذربایجان به صدارت سید جعفر پیشه وری، این دولت را «حکومت ملی آذربایجان» نامید.

حکومت ملی به سرعت اصلاحات بنیادی اقتصادی و اجتماعی را در آذربایجان شروع کرد. اراضی خالصه و املاک فئودالها و ملاکین بزرگ وابسته به امپریالیسم و ارتجاع که به نهضت خیانت کرده بودند، بلا عوض بین روستائیان تقسیم گردید. برای کمک به دهقانان و احیای کشاورزی، بانک فلاح و شرکت ماشین های آبیاری تاسیس شد. قانون کار دمکراتیک تدوین و پیاده شد. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول گردید. کارخانه ها تحت نظارت کارگران

زبان مادری تقلیل دهند. باید یادآور شد همانطور که سید جعفر پیشه وری رهبر جنبش خودمختاری آذربایجان همواره تأکید می نمود، به رسمیت شناختن زبان مادری فقط یک بخش کوچک از خواستههای جنبش است. اساس مطالبات خلق آذربایجان، خودگردانی امور در جهت استقرار عدالت اجتماعی به سود کلیه اهالی و بویژه زحمتکشان و از میان برداشتن تبعیض ها در سیاست اجرایی دولت مرکزی نسبت به خلقها و مناطق گوناگون کشور است. به اعتقاد فرقه دمکرات آذربایجان، از این نظر نه تنها خلقهای ساکن کشورمان باید برابر حقوق باشند، بلکه اکثریت عظیم زحمتکشان منسوب به خلقها و اقوام گوناگون کشورمان همرد هستند و مشترکا از سیاستهای اجرایی دولت مرکزی رنج می کشند و از عدالت اجتماعی محروم هستند. از این نظر حکومت شاهنشاهی و حکومت ولایت فقیه فرقی با هم ندارند.

درد مشترک خلقهای میهنمان ایجاب می کند که زحمتکشان همه خلقها به شکل مشترک و دست در دست هم برای تامین عدالت اجتماعی با دولت کلان سرمایه داران و اختلاس گران و غارتگران ثروت کشور و دسترنج زحمتکشان که زیر عیای حکومت جمهوری اسلامی پنهان شده اند مبارزه کنند. در همین زمینه افراد و گروه هائی هستند که به شکل ناآگاهانه و یا آگاهانه و حتی با هدایت دولت‌های ارتجائی منطقه و جهان تلاش می کنند تا خلقهای میهنمان را رو در روی یکدیگر قرار دهند و خلق فارس را مسبب رنج و زندگی وخیم دیگر خلقها معرفی کنند. تفرقه در میان خلقها به سود مسبب اصلی یعنی دولت مرکزی و الیگارش حاکم است و از جمله به شیوه های پنهان توسط همین حکومت نیز دامن زده می شود.

مبارزه خلق آذربایجان برای کسب حقوق ملی و استقرار حکومت خودمختار داخلی در چارچوب تمامیت ارضی ایران و برخورداری از آزادی و عدالت اجتماعی بخش تفکیک ناپذیری از مبارزات زحمتکشان همه خلقهای ساکن میهنمان با دیکتاتوری حکومت ولایت فقیه می باشد که حامی غارتگران ثروت مملکت و دسترنج زحمتکشان است.

فرقه دمکرات آذربایجان برای پیروزی در این مبارزه مشترک، فعالین همه خلقها و احزاب و سازمانهای سیاسی دمکرات و مترقی سراسری و منطقه ای را به اشتراک عمل دعوت می کند و چنین مبارزه ای را مورد پشتیبانی قرار می دهد. پیش به سوی مبارزه مشترک خلقهای ساکن کشورمان و تشکیل جمهوری فدرال ایران!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۱۹ آذرماه ۱۴۰۰

بکار انداخته شد و کارخانه های تازه تاسیس گردید. شبکه بهداشت همگانی پی ریزی شد. تحت رهبری سازمان های فرقه، مردم خود در کار آبادی و عمران دهات، قصبات و شهرها می کوشیدند.

رشد فرهنگی در مرکز دقت قرار گرفت. اعلام زبان آذربایجانی به عنوان زبان رسمی در کنار زبان فارسی و چاپ کتابهای درسی به زبان مادری، برای گسترش آموزش و پرورش و مبارزه با بی سوادی شرایط بسیار مساعدی ایجاد کرد. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، تاسیس رادیو، احداث چاپخانه معارف و آذربایجان، تشکیل اداره هنرهای زیبا، تئاتر دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان، جمعیت شاعران و نویسندگان آذربایجان و غیره به پیشرفت فرهنگ و رشد ادبیات و هنرهای زیبا کمک شایان کرد. و

...

برای اولین بار در تاریخ ایران، زنان آذربایجانی با حق برابر در امر انتخاب کردن و انتخاب شدن همراه مردان در انتخابات مجلس ملی شرکت کردند. به گواهی کسانی که از آذربایجان در دوران یک ساله حکومت ملی بازدید کردند، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی این مدت یک ساله بیش از دوران حکومت دیکتاتوری بیست ساله رضا شاه و درخشان تر بود.

ولی رژیم ارتجائی سلطنتی از وحشت اینکه این جنبش به مناطق دیگر گسترش یابد، با کارگردانی و مساعدت دولتهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا و با تغییر اوضاع بین المللی، یورش مسلحانه به آذربایجان را در دستور کار قرار داد. ارتش شاهنشاهی به همراه مزدوران مسلح خان ها و فئودالهای مرتجع آذربایجان و به نام «نجات آذربایجان»، حمام خون به راه انداختند. در این قتل عام فاشیستی هزاران نفر کشته و دهها هزار نفر اسیر و تبعید شده و یا مجبور به گریز از وطن شدند. بدین ترتیب بساط ظلم و ستم اربابان و غارتگران دسترنج دهقانان و زحمتکشان آذربایجان مجددا حکمفرما شد. در حقیقت به نام «نجات آذربایجان»، منافع غارتگران «نجات» یافت.

### هم میهنان گرامی!

طی دهها سال اخیر، مبارزات خلقهای جهان دستاوردهای ارزشمندی به بار آورده است. از آن جمله به رسمیت شناختن حق تحصیل به زبان مادری به عنوان بخشی از حقوق بشر از طرف مجامع معتبر جهانی. ولی همین دستاورد ارزشمند سبب شده که برخی افراد و محافل و گروهها، آگاهانه یا ناآگاهانه، جنبش برای کسب خودمختاری و اداره سرنوشت خود را به حق کسب تحصیل به

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴- ریشه در تاریخ دارد....

در روزهای تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۲۸۴- ۱۲۹۰) انقلابات گیلان و آذربایجان (تشکیل حزب کمونیست ایران) و خراسان (1296- 1300) اوج های این روند تاریخی بودند. دیکتاتوری رضا خان، کمونیست های ایران، برهبری دکتر ارانی، تداوم جنبش را حفظ کردند و پرچم آن را برای تحویل دادند به نسل بعد افراشته نگهداشتند. تا حزب توده ایران تشکیل شد و سر فصلی نوین در این تاریخ پویا و پرتلاطم گشود.

جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴ از متن این تاریخ در آذربایجان، سرزمین ستارخان ها، حیدر عموغلی ها و خیابانی ها برخاست. هدفش تامین آزادی، استقلال واقعی کشور و تامین حقوق ملی خلق های ایران، از جمله خلق آذربایجان در چارچوب ایران واحد و مستقل بود.

دومین جنگ جهانی، که زائیده تضادهای درونی امپریالیسم بود. با هجوم وحشیانه فاشیسم آلمان به کشور سوسیالیستی اتحاد شوروی - ماهیت دیگری به خود گرفت. مبارزه ضد فاشیستی خلق ها شدت یافت و به همراه آن جنبش رهایی بخشی ملی و دمکراتیک در جهان گسترده شد. در این موج، دیکتاتوری پوشالی رضا شاه بر افتاد و شرایط مساعد برای فعالیت نیروهای دمکراتیک و مترقی در کشور فراهم شد. دول امپریالیستی که در ائتلاف ضد هیتلری شرکت داشتند، نمی توانستند از منابع مادی و انسانی مستعمرات و کشورهای وابسته صرف نظر کنند ولی در جریان جنگ بودند و می بایست مبارزه رهایی بخشی خلق ها را ظاهرا مد نظر بگیرند. اما همینکه سرنوشت جنگ زیر ضربات شکننده ارتش شوروی بر فاشیسم آلمان، رفته رفته روشن می شد، امپریالیستها هجوم خود را علیه جنبش های رهایی بخشی و دمکراتیک، (از هند و چین، اندونزی، فلپین گرفته تا یونان و دیگر کشورهای جهان) آغاز کردند.

از آن جمله در ایران نیز عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم سربلند کردند و تلاشهای خود را برای از بین بردن دموکراسی نویناد و تحکیم نظام فاسد استبدادی گسترش دادند. مرتجعین شناخته شده ای چون ساعد، صدر و حکیمی را در راس کابینه ها قرار دادند. مجلس را از عمال امپریالیسم و دشمنان آزادی پر کردند. بزور سرنیزه حکومت نظامی از فعالیت سازمان ها و احزاب دمکراتیک جلوگیری می کردند. به تصفیه ارتش از افسران آزادیخواه و ضد استعمار و ضد استبداد دست می زدند.

اواسط سال ۱۳۲۴ علیه نهضت کارگری دست به هجوم گسترده زدند و حملات غدارانه خود را متوجه شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران نمودند. باشگاه های حزب و شورای متحده مرکزی در

تهران، مازندران، اصفهان و دیگر شهرها مورد تعرض و تاراج قرار گرفت... .

خلاصه آنکه امپریالیسم آمریکا و انگلیس، با استفاده از مرتجعترین عوامل داخلی در راس آنها دربار محمدرضا، به هر طریق سعی داشتند، نیروهای مترقی، آزادیخواه و میهن دوست را سرکوب نمایند و رژیم استبدادی را و سلطه خاتمان بر انداز خود را بر همه شئون حیاتی کشور استوار کنند.

البته این امری نبود که نیروهای دمکراتیک بتوانند در مقابل آن بی تفاوت باشند. به همین دلیل آذربایجان برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران به پا خاست. این بود آن وظیفه مقدس تاریخی که فرقه دمکرات آذربایجان برای اجرای آن تشکیل شد و در بیانیه تاریخی ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ رسماً اعلام کرد.

جنبش رهایی بخش، ضد امپریالیستی و دمکراتیک در آذربایجان همواره تاکید بر دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی ایران و تامین حقوق ملی خلق آذربایجان در چارچوب ایران واحد و مستقل داشته است. و به همین منظور تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی را ضروری می شمارد. فرقه دمکرات آذربایجان بویژه بر اجرای آن تاکید داشته و دارد.

تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی تنها به منظور حل مسئله آذربایجان نیست، بلکه به منظور تامین آزادی و دموکراسی در سراسر ایران است.

بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ متذکر می شود که با برخورداری از آزادی های دمکراتیک ابتدایی، چون آزادی بیان، عقیده، قلم، اجتماعات و غیره به هر فرد امکان داده می شود که بطور موثر در تدوین، پیاده کردن و نظارت بر اجرای تصمیمات در همه شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور شرکت کند. و این کار بدون تشکیل انجمن ها مقدور نیست.

خواست های فرقه دمکرات آذربایجان که بیان روشن امیال و آرزوی خلق بود، مورد استقبال پرشور اکثریت قاطع مردم آذربایجان و دیگر نیروهای مترقی و آزادیخواه ایران قرار گرفت. چون حکومت مرکزی در مقابل خواست های مردم آذربایجان و فرقه دمکرات آذربایجان بی اعتنا مانده بود، کنگره خلق آذربایجان (۲۹ و ۳۰ آبان) در تبریز خود را مجلس موسسان اعلام کرد و تصمیم گرفت مجلس ملی آذربایجان را تاسیس نماید. نمایندگان مجلس ملی از راه انتخابات آزاد و دمکراتیک از میان همه طبقات و اقشار میهن دوست، مترقی و آزادیخواه انتخاب شدند و روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مجلس ملی آذربایجان گشایش یافت.

تاریخ معاصر ایران را در آذربایجان مرتکب شد، تا از پیشرفت جنبش‌های بخش ملی و دمکراتیک جلوگیری کند. اما هنوز 4-5 سال نگذشته بود که در پی تلاش خصمانه و ضد مردمی امپریالیسم و ارتجاع، همه جهانیان متوجه موج تازه مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران شدند. جنبش ملی کردن نفت مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی را به اوج رساند.

ولی متأسفانه امپریالیست‌ها و ارتجاع این بار هم با کودتای خانانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جنبش انقلابی مردم ایران را سرکوب کردند و از ایران جزیره مرگ ساختند. اما بدنبال آن موج جدیدی از مبارزات توده‌ای بویژه از دهه چهل به بعد شروع شد. پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ برای همیشه طومار نظام شاهنشاهی را بست و با اخراج مستشاران غربی بویژه مستشاران آمریکایی پایه‌های استقلال کشور را محکم کرد.

تجربیات گرانمایه‌های صد و پنجاه ساله جنبش‌های بخش کشور نشان می‌دهد که استقلال ملی، آزادی، دموکراسی، ترقی و رفاه همگانی بدون ریشه کن کردن استعمار و استبداد و بدون حل بنیادی مسائل عمده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و از جمله تامین حقوق ملی خلق‌های ایران، میسر نیست.

تجرباتی که با خون پاک صدها هزار از بهترین فرزندان همه خلق‌های ایران در صفحات تاریخ جنبش‌های رهایی بخش، دمکراتیک و ضد امپریالیستی کشور ما نوشته شده، بیش از همه چیز به وحدت و هوشیاری در مقابل دشمنان مردم نیاز مبرم دارد. با بیراهه کشاندن انقلاب و اهداف آن، کشور ما نیاز به یک تحول بنیادی دارد. بحران‌ها و کاستی‌ها جان مردم را به لب آورده و کشور را به لبه پرتگاه کشانده است. در سایه اتحاد همه گیر و دمکراتیک همه خلق‌های ایران می‌توان از این وضعیت خارج شد. تجربه جنبش‌های رهایی بخش کشور درس بزرگی است که باید آموخت. نقاط قوت جنبش‌های مترقی و آزادیخواهانه کشور اتحاد و تکیه بر زحمتکشان و نیروهای ترقی‌خواه بوده است و نقطه ضعف آن پراکندگی و تفرقه.

مجلس ملی، حکومت ملی را انتخاب کرد. روسای پادگان‌های نظامی دولت مرکزی در تبریز، در مقابل خواست مردم تسلیم و طبق موافقتنامه خلع صلاح شدند.

حکومت ملی یک ردیف اصلاحات بنیادی را در آذربایجان شروع کرد. اراضی خالصه و املاک فنودالها و ملاکین بزرگ وابسته به امپریالیسم و ارتجاع که به نهضت خیانت کرده بودند، بلا عوض بین روستائیان تقسیم کرد. برای کمک به دهقانان و احیای کشاورزی، بانک فلاح و شرکت ماشین‌های آبیاری، تاسیس کرد. قانون کار دمکراتیک تدوین و پیاده شد. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول گردید. کارخانه‌ها تحت نظارت کارگران بکار انداخته شد و کارخانه‌های تازه تاسیس گردید. شبکه بهداشت همگانی پی ریزی شد. تحت رهبری سلیمان‌های فرقه، مردم خود در کار آبادی و عمران دهات، قصبات و شهرها می‌کوشیدند. ترقی فرهنگ در مرکز دقت قرار گرفت. اعلام زبان آذربایجانی بعنوان زبان رسمی، برای گسترش آموزش و پرورش و مبارزه با بی‌سوادی شرایط مساعد فراهم ساخت. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، تاسیس رادیو، احداث چاپخانه معارف و آذربایجان، تشکیل اداره هنرهای زیبا، تئاتر دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان، جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان و غیره به پیشرفت فرهنگ و رشد ادبیات و هنرهای زیبا کمک شایان کرد. ... برای اولین بار در تاریخ ایران زنان با حق برابر در انتخابات مجلس ملی شرکت کردند.

اصلاحات اساسی که فرقه دمکرات آذربایجان انجام داد، نمی‌توانست دقت همه خلق‌های ایران را جلب نکند. و این واقعیت (دولت مرکزی در تصویب نامه مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۵ بدان اعتراف می‌کند) بیش از پیش خشم و غضب حیوانی امپریالیسم، دربار و سایر دست‌نشدگان داخلی آن را سبب شد. دولت مرکزی که تحت فشار افکار عمومی مجبور به مذاکره و امضای موافقتنامه با حکومت ملی شده بود، این موافقتنامه را زیر پا گذاشت و به بهانه اجرای انتخابات به آذربایجان قشون کشید. ارتش شاهنشاهی به فرمان شاه با کمک امپریالیسم آمریکا و انگلیس، بزرگترین فاجعه

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد.**

**پیش‌وی**

## خدمات و اصلاحات اقتصادی حکومت ملی....

عمده ترین این اصلاحات، اصلاحات ارضی بود که کشاورزان را از یوغ و بندگی مالکان آزاد می کرد. کشاورزان و روستائیان آذربایجان قبل از حکومت ملی، اگرچه شبانه روز تلاش می کردند ولی چیزی عایدشان نمی شد؛ خود و خانواده شان دسترنج خویش را به مالک یا نماینده و مباشر او تقدیم می کردند و در صورت اعتراض هم در زندان خان به همراه دیگر حیوانات به آخور بسته می شدند. قبل از برقراری حکومت ملی آذربایجان، بدترین و زشت ترین روابط انسانی را ارباب، خان و مباشرانش با دهقانان داشتند، و اربابان و مباشران به هتک حرمت روستائیان می پرداختند، به ناموس آنها تجاوز می کردند و حتی اردشیر آوانسیان در خاطرات خود می گوید: "...جمشید اسفندیاری خان ملک کندی (ملکان) بر روی دهقانان آتش ریخته و آنها را آتش زده بود" در این اوضاع و احوال بود که حکومت ملی تصمیم گرفت به این روابط غیر انسانی و قرون وسطایی پایان دهد. روابطی که از سوی حاکمان مرکز و تهران مورد حمایت قرار می گرفت و در برابر این رفتارهای شنیع سکوت اختیار می کرد.

حکومت ملی با عزمی راسخ قدم در راه اصلاحات ارضی گذاشت. با اینکه به دلیل نبود افراد متخصص در این مورد شاید اشتباهاتی هم رخ داده باشد، ولی اصل نیت حکومت ملی که همان پایان دادن به روابط غیر انسانی ارباب با کشاورزان بود جامعه عمل پوشانده شد.

کار حکومت ملی در آن زمان در تاریخ خاورمیانه بی سابقه بود. حکومت ملی آذربایجان حل مساله ارضی و کشاورزی را در مواد ۱۱ و ۱۲ برنامه خود پیش بینی نموده بود:

"ماده ۱۱: به منظور رفع اختلافات موجود بین دهقانان و اربابان لایحه جدید قانونی با مراعات رضایت طرفین تنظیم و از این طریق مساله دهقان و ارباب حل و تسویه شود.

ماده ۱۲: برای جلوگیری از بیکاری روز افزون در دهات و شهرها، زمین های خالصه به فوریت بین زارعین تقسیم گردد. همچنین، زمین های متعلق به کسانی که آذربایجان را ترک کرد و در خارج از آذربایجان علیه مختاریت ملی ما

دست به تبلیغات زده اند، ضبط و در اختیار دهقانان قرارداده شود تا بدین وسیله دهقانان بی زمین سر و سامان یابند." اقدامات حکومت ملی در اصلاحات ارضی موجب شده که دهقانان از برده به انسانهای آزاد بدل شوند.

آئین نامه تقسیم املاک بین دهقانان که از طرف حکومت ملی تنظیم شده بود به شرح ذیل می باشد:

"ماده ۱- کمیسیون از پنج نفر شامل نمایندگی وزارتخانه های کشاورزی دادگستری، دارائی و کشور از هر وزارتخانه یک نفر و یک نفر نماینده انجمن ولایتی، محلی یا بلوک تشکیل شود، ریاست این کمیسیون را هر یک از اعضاء به نوبت عهده دار خواهند بود.

تبصره- برای تحدید حدود، شعبه نقشه کشی و مساحی اداره ثبت اسناد در اختیار این کمیسیون خواهد بود.

ماده ۲- جهت اجرای صحیح قانون و آئین نامه مربوطه، در هر یک از دهات مشمول این قانون، یک کمیسیون فرعی پنج نفری از اشخاص خبره و معتمد آن ده تشکیل شود.

ماده ۳- کمیسیونهای فرعی موظفند، اطلاعات ذیل را قبلاً آماده نموده در اختیار کمیسیون اصلی قرار دهند:

الف- مساحت زمینهای مزروعی و بایر

ب- مشخصات و مساحت باغات

پ- مساحت قلمستانها و بیشه ها

ت- تعداد زارعین و خوش نشینها و همچنین صورت اسامی کسانی از ده که به علت فقر و استیصال ده را ترک نموده به شهرهای اطراف رفته اند و زمینهای مورد استفاده هر یک از زارعین و تعداد جفت گاو آنها.

ث- اطلاعات کاملی راجع به آنها

ج- صورت ریز مشخصات تأسیسات عام المعنف های که در ده موجود بوده و قابل تقسیم نمی باشد؛ مانند حمام، دکان و کاروانسرای اربابی، عمارت و باغات اربابی، کارخانه های روغن کشی و غیره.

ماده ۴- قبل از شروع تقسیم اراضی باید برای ایجاد تأسیسات عام المنفعه در آن ده نظیر بیمارستان، مدرسه و غیره مقدار

زارعتی خود را به وسیله کارگر مزدور مورد استفاده قرار دهند.

ماده ۱۰- دهقانان باید از زمین و آبی که به دست آورده اند حد اکثر استفاده را نموده و زمین های خود را آباد سازند، دهقانانی که بدون عذر موجه زمین خود را کشت نکرده و چنان که لازم است آن را آباد نسازند به تشخیص و صلاحدید کمیسیون ده و تصویب وزارت کشاورزی زمین مزبور از آنها پس گرفته شده در اختیار دهقانان فعال قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۱- به منظور اینکه دهقانان فقیر بتوانند برای خود منزل شخصی ساخته و زمینی که از تقسیم اراضی به دست آورده اند آباد کنند، تدابیر لازم اتخاذ خواهد شد.

تبصره ۴- کمیسیونهای ده در پرداخت وصول صحیح وجوه نظارت خواهند داشت.

ماده ۱۲- تقسیم اراضی در دهات هر سال یک بار با در نظر گرفتن افزایش یا کاهش جمعیت مورد تجدید قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۳- باید تمام کسانی که در اثر فقر، ظلم و سایر علل از دهات خود - که اینکه مشمول قانون تقسیم اراضی می شود- مهاجرت کرده و در شهرها به کارگری اشتغال دارند و یابه گروه بیکاران پیوسته اند، اطلاع داده شود که لازم است آنها نیز در تقسیم اراضی دهات خود شرکت نمایند.

ماده ۱۴- دهات متعلق به دشمنان خلق آذربایجان که از طریق مصادره بین دهقانان تقسیم خواهد شد، نیز مشمول این آئین نامه می باشد.

ماده ۱۵- بودجه هزینه های مربوط به مأمورینی که جهت تقسیم دهات خالصه و یا تقسیم دهات متعلق به دشمنان خلق به محل های مذکور اعزام می شوند، باید به وسیله وزارت کشاورزی، جهت تقدیم به مجلس ملی و هیئت دولت تنظیم شده و از محل بودجه دولت آذربایجان پرداخت گردد.

این آئین نامه در پانزدهمین جلسه هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۲۲ به تصویب رسید .

**نخست وزیر - پیشه وری"**

معینی زمین اختصاص داده شود. ماده ۵- دهات خالصه ای که شش دانگ آنها متعلق به دولت است باید بین تمام خانوارهای ساکن آن ده به طور مساوی و به نسبت تعداد خانوار تقسیم شود.

تبصره ۱- اعیانی متعلق به هر یک از دهقانان (منزل و باغ شخصی) قابل تقسیم نبوده و مخصوص به خود وی می باشد. ولی، تمام منابع آب ده با در نظر گرفتن مقدار زمین های مزروعی، مورد استفاده مشترک کلیه دهقانان خواهد بود و صاحبان باغات و بیشه های بزرگ چنانچه پیش از مقدار معین در تقسیم اراضی دارای باغ یا بیشه باشند به سهم اضافی، بهره مالکانه قانونی جهت انجام امور عام المنفعه خواهند پرداخت.

ماده ۶- دردهات خالصه ای که نصف و یا نصف بیشتر آن متعلق به دولت بوده و بقیه در اختیار مالک دیگری می باشد، سهم دولت از آن ده بین تمام دهقانان ساکن آن ده تقسیم خواهد شد.

تبصره ۲- قسمت اربابی دهات فوق الذکر نیز، به شرط پرداخت بهره مالکانه بین تمام دهقانان آن ده تقسیم شد و مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

ماده ۷- در دهاتی که فقط یک یا دو دانگ آن خالصه می باشد، زمین خالصه فقط بین زارعین آن قسمت از ده و دهقانان فقیر و خوش نشین تمام ده (دهقانانی که زمین زارعی ندارند) تقسیم خواهد شد.

ماده ۸- خواه در دهات خالصه و خواه در دهات متعلق به دشمنان خلق آذربایجان، سهم زمین هر یک از دهقانان، با در نظر گرفتن تعداد افراد خانوار، بیش از پنج هکتار و کمتر از دو هکتار نخواهد بود، ضمناً به هر یک از رؤسای خانوار، بابت سهم افراد تحت تکلفشان که بیش از پنج سال داشته باشند، یک هکتار به هر نفر اضافه داده خواهد شد.

ماده ۹- دهقانان حق فروش، هبه، انتقال و اجاره دادن زمینی را که از طریق تقسیم اراضی به دست می آورند ندارند.

تبصره ۳- دهقانان پر عائله و دهقانانی که قدرت کار آنها نقصان یافته و یا از کار افتاده می باشند می توانند زمین

**استقلال ، آزادی ، صلح و عدالت اجتماعی**



زمینه های اقتصادی تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان.....

یک زبان، یک تاریخ، یک فرهنگ در یک جغرافیا)، نظامیگری و پروژه های اقتصادی تعادل پیشین را در اقتصاد و سیاست بهم زده بود، با مرکز گرایی بخش مهمی از سرمایه های آذربایجان همراه با نیروی کار و مدیریت آذربایجان را ترک کرده به مناطق مرکزی کوچ کردند ( در این کوچ گاهی سود و گاهی هم زور مشوق بود )، از سوی دیگر با رواج حمل و نقل دریایی در جنوب از اهمیت راه های زمینی و تجاری کاسته شد و این ضربه مهلکی به تجارت، سود و انباشت سرمایه در آذربایجان زد و تجار آذربایجان را که تا مدتی پیش قدرت اقتصادی بازار را در دست داشتند، بر زمین زد و یا به کوچ اجباری به تهران و یا شمال واداشت، در این میان آذربایجان از پروژه های صنعتی در دوران رضا شاه بیشتر به علل سیاسی محروم ماند، بنابراین در سال های نخست بعد از سقوط رضا شاه آذربایجان حال و روز خوشی نداشت، از آن گذشته نمایندگان مجلس سیزدهم که بطور گزینشی از سوی تیم رضا شاه تعیین شده بودند نماینده واقعی و مردمی آذربایجان نبودند. مردم به دفعات از محمدعلی فروغی خواستند که این مجلس فرمایشی را منحل کند ولی مورد قبول واقع نشد و این مجلس قوانین و آئین نامه هایی را مصوب کرد که فشار و ریاضت اقتصادی را افزایش داد..

بعد از کناره گیری رضا شاه هم انجمن های صنفی و سیاسی و نشریات در آذربایجان اجازه فعالیت و انتشار نداشتند و یا به سرعت تعطیل می شدند. جمعیت آذربایجان و نشریه و ارگان آن تنها 6 ماه فعال بودند ( خبرنگار روزنامه « داد » در گزارش خود از تبریز با عنوان « منظره شهر » می نویسد: آذربایجان با فقر و بدبختی دست به گریبان است، تبریز همان شهری که سر داد و سر به استبداد فرو نیآورد... آری همان شهر اینک منظره ای دارد که از دیدن آن نزدیک است خون در رگ ها فسرده شود، تبریز که چون طاووس از علم، آزادی خواهی، صنعت، ثروت، معنویت و میهن پرستی نقش و نگار فراوان داشت، اینک مرغ بال و پر شکسته و دم و کاکل کنده از همه زیبایی ها دور و محروم است ( روزنامه فریاد، شماره ۴ به تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۲۱، به نقل از گذشته چراغ راه آینده

در این اوضاع رقت بار و بحران زده از نظر اقتصادی و سیاسی، نیرو های متفقین در سوم شهریور ( ساعت چهار صبح ) ۱۳۲۰ از شمال و جنوب وارد کشور شدند، در پی آن رضاشاه به نفع پسرش در 25 شهریور از قدرت کناره گیری کرد و بحران به اوج خود رسید زیرا از یک سو ایران باید نیاز های غذایی و ریالی متفقین را تامین کند و از سوی دیگر محتکرین با توجه به افزایش روز افزون قیمت ها حاضر به فروش کالا های مصرفی خود نبودند، در نتیجه مردم در سرتاسر کشور بویژه در منطقه پر جمعیت آذربایجان با قحطی و گرسنگی روبرو شدند، مردم در تبریز برای پیدا کردن تکه نانی به هر دری می زدند و فریاد می کردند که ما گرسنه ایم و تنها نان می خواهیم، در این میان بیماری تیفوس هم به جان مردم افتاده بود « محمد علی فروغی » اولین کابینه خود را بعد از سقوط رضا شاه تشکیل داده بود و با کمبود ارز خارجی روبرو شده بود و برای برون رفت از آن نیاز داشت تا صادرات را تشویق کند، در حالی که جامعه شدیداً به همان محصولات برای سیر کردن شکم خود نیاز داشت. وزارت دارایی کابینه فروغی را « مشرف نفیسی » بعهده گرفت. در اولین اقدام ارزش پول ملی را از پائین آورد و ارزش یک استرلینگ انگلیس را از ۲۸ ریال به ۴۰ ریال افزایش داد، در نتیجه حجم نقدینگی که در شهریور ماه ۱۳۲۰ مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان بود در آبانماه ۱۳۲۱ به ۳۵۰ میلیون تومان رسید ( پشتوانه آن ارزش یابی مجدد طلا و نقره بر اساس قیمت های جدید به ریال بود ) این اقدام به افزایش قیمت ها شتاب بیشتری بخشید و بزرگ مالکان را تشویق کرد تا محصولات خود را صادر و یا به تجاری بفروشند که آنها قیمت را به ارز خارجی می پرداختند، دیگر پول ملی ارزش چندانی نداشت و مردم هم قدرت خرید خود را از دست می دادند، اوضاع در آذربایجان بعلت پر جمعیت بودن وخیم تر بود، در حالیکه پیشتر ها آذربایجان سبد غذایی کشور را تشکیل می داد و بخش دیگری از آنها صادر می شد، اکنون گرفتار گرسنگی شدید شده بود. آذربایجان از دوران رضا شاه مورد تحقیر و ستم اقتصادی و سیاسی قرار گرفته بود، مرکز گرایی، ملت سازی تحمیلی (



دوره مدت نمایندگی ۲ سال بود)، بررسی اعتبار نامه ها تا تیرماه ۱۳۲۳ به طول انجامید، اعتبارنامه پیشه‌وری با مداخله رئیس نشست مجلس با یک رای اضافی بدون دلیل و برهان رد شد. پیشه‌وری خود قبول کرد که این مجلس هنوز در دست ارتجاع است و هرگز به افرادی مانند او اعتماد نخواهد کرد. پیشه‌وری هم روزنامه نگار، هم سیاستمدار و هم مدافع زحمتکشان بود، بیش از ده سال بدون دلیل و حکم محکومیت در زندان‌های رضا شاه اسیر بود، در این میان زبان بسیار گزنده‌ای داشت که ارتجاع تاب تحمل آن را نداشت، در نتیجه خواهان آن سخن و حرفی نبود که به بیداری مردم یاری رساند و نمایندگان واقعی مردم را در مبارزه با استبداد متحد کند. پیشه‌وری بار دیگر به پایگاه خود (روزنامه نگاری، آژیر) برگشت ولی اوضاع اسفناک آذربایجان هرگز رهاش نکرد، در دیدار با دوستان و روشنفکران آذربایجان به این نتیجه رسید که باید آذربایجان سرنوشت اقتصادی و سیاسی خود را خود در دست بگیرد و باز هم به اصرار دوستان راهی تبریز شد تا انجمن‌های سیاسی و فرهنگی آن جا را فعال کند. پیشه‌وری با انجمن آذربایجان و ارگان آن «آذربایجان» همکاری خود را شروع کرد و در مدت کوتاهی روزنامه آذربایجان مورد استقبال مردم قرار گرفت، بدنبال آن انجمن‌های صنفی و سیاسی فعال‌تر شدند، شور زندگی به شهر بازگشت، هرچند مردم در فقر و گرسنگی بسر می‌بردند ولی جوانه‌های امید در دلشان کاشته می‌شد، دیگر سخن از اجرای کامل قانون اساسی مشروطه بود (قانون اساسی مشروطه بویژه متمم آن که انجمن‌های ایالتی و ولایتی را پیش‌بینی کرده بود از سوی رضا شاه در راستای ملت-دولت سازی به شیوه فرانسه بسته شده و گرد و خاک می‌خورد)، مردم آذربایجان خواهان هویت ملی بویژه زبان ترکی خود بودند که بتوانند با آن آموزش ببینند و کارهای اداری خود را با آن به پیش ببرند و انجام دهند. پیشه‌وری و دوستان به این نتیجه رسیدند که مردم خواهان تحول و تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی اند، بنابراین فرقه دمکرات آذربایجان ضرورت زمان و خواست مردم بود (آنهایی که آن را ساخته و پرداخته بیگانه بدست پیشه‌وری و دوستانش می‌دانند و یا بر آن نظر اصرار دارند یا ناآگاه اند، یا

است، ص 265)، همراه با این فقر و فلاکت اقتصادی فشارهای سیاسی و امنیتی هم از سوی حکومت تهران اعمال می‌شد، نیروهای ارتجاعی و وابسته به دربار حمایت مالی می‌شدند (هیئت وزیران در جلسه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۴ تصویب کرد که به «سید احمد میرخاص» از مرتجعین نشانه دار اردبیل ماهی 3 هزار ریال از محل اعتبارات دولت بعنوان پاداش پرداخت شود (همان اثر ص 266) بنابراین تنش و تشنج در آذربایجان از سوی حکومت مرکزی ایجاد می‌شد که مانع از شکل‌گیری یک اعتراض و گسترش آن به دیگر نقاط کشور شود، به دیگر سخن آذربایجان که بستر جنبش‌های اجتماعی در تاریخ سیاسی کشور بود باید سرکوب می‌شد تا ارتجاع حاکم بتواند استبداد خود را ادامه دهد و برنامه‌های خود را بعد از پایان جنگ از همین حالا اجرایی نماید.

با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی آذربایجان، مردم به دنبال تغییر شرایط بودند که بتوانند زندگی کنند، فقر هر روز در حال گسترش بود، نه تنها ساکنان شهرها با بیکاری و فقر گسترده روبرو بودند بلکه روستا نشینان هم از سوی بزرگ مالکان استثمار می‌شدند و گاهی از گرسنگی جان می‌دادند، بنابراین آذربایجان بسان یک آتشفشان در آمده بود که هر لحظه می‌توانست دهان باز کند و مذاب به بیرون پرتاب نماید. شرایط را کنسولگری‌های انگلیس و آمریکا به کشور‌های خود گزارش می‌کردند، در این شرایط دولت تصمیم به برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم گرفت. «پیشه‌وری» به اصرار دوستان خود را کاندید نمایندگی از تبریز کرد. انتخابات مجلس چهاردهم در مقایسه با دوره‌های پیشین در فضای سیاسی آزادتر و رقابتی‌تر برگزار شد. تعدادی از نمایندگان واقعی مردم به مجلس راه یافتند. در این میان سید جعفر پیشه‌وری هم بعنوان نفر دوم از تبریز (نفر اول حاج رحیم خوبی بود) انتخاب شد. پیشه‌وری در مبارزات انتخاباتی خود به مناطق مختلف آذربایجان مسافرت کرد و از نزدیک با فقر و تنگدستی مردم بویژه در مناطق روستایی بیشتر آشنا شد (در آن دوره بیش از ۸۰ درصد از جمعیت آذربایجان در روستاها زندگی می‌کردند) مجلس چهاردهم با ۳۶ نماینده منتخب در ۱۴ اسفند ۱۳۲۲ گشایش یافت (در این

آبادانی آذربایجان را آبادانی ایران می داند، بدنبال انتشار آن و استقبال توده های مردم، حکومت ملی با کنگره بزرگ مردمی به ریاست پیشه وری تشکیل شد، پیشه وری برنامه حکومت ملی را در ۲۰ ماده تهیه کرد و از مجلس ملی رای اعتماد گرفت. همه این ۲۰ ماده شامل برنامه های عمرانی، اصلاحات ارضی، فعالیت های فرهنگی و ... بود و عملکرد حکومت ملی در مدت کوتاهی آن را به اثبات رساند. این حکومت ملی که پایه در اراده مردم آذربایجان داشت با کاربرد هزاران حيله و نیرنگ تهران و شرکاء سرکوب شد و از همان روز نخست تبلیغات گسترده ای بر علیه آن آغاز شد که تا کنون هم ادامه دارد ولی مردم آذربایجان که با آن جنبش رابطه عاطفی برقرار کردند هرگز آن را فراموش نمی کنند....

فرصت طلب و یا خائن به مردم و جنبش مردمی آذربایجان. البته در این میان افرادی مانند جمیل حسنی، تورج اتابکی، عباس جواد و برخی دیگر طالب نام نشانند) بیانیه ۱۲ شهریور که پایه و اساس فرقه دمکرات آذربایجان را تشکیل می دهد پیام دوستی و همکاری با ملل دیگر ایران است، در مقدمه آن آمده است: ایران مسکن اقوام و ملل گوناگون است، این اقوام و ملل هر قدر آزادتر زندگی کنند، یگانگی بیشتری خواهند داشت، قانون اساسی مشروطه با تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی کوشیده است که مردم ایران را در تعیین سرنوشت کشور هرچه بیشتر دخالت داده و رفع احتیاجات ایالات و ولایات را به خود آنها واگذار کند... در این بیانیه سخن از سازندگی، پیشرفت و همکاری است،

### یادی از جنبش بیست و یکم آذر



اردوگاه ضد خلقی خود جشن گرفته، معرکه بپا میکند، تانک و توپ برخ مردم کشیده، چنگ و دندان نشان میدهد، گوئی خبر حمله فدائیان بیادگانهای میانه و سراب و اردبیل، تسلیم درخشانی و زنگنه و تاسیس حکومت ملی آذربایجان همین امروز به تهران رسیده است. اینها از سوئی نشانه ترس از خلق و از سوی دیگر برای ترساندن خلق است. ارتجاع

جنبش ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ در آذربایجان در ردیف آن رویدادهای معاصر کشور ما قرار دارد که گذشت زمان قادر بزودن آنها از خاطره ها نیست و خاکستر تاریخ نمیتواند آنها را در خود مدفون و به سندی در آرشیو مبدل سازد. جنبش ۲۱ آذر نه تنها برای خلق آذربایجان که در سایه آن طعم آزادی واقعی را چشید، نه تنها برای بازماندگان هزاران فدائی، سرباز، افسر، کارگر، دهقان و روشنفکر که جان خود را در این راه قهرمانانه نثار نمودند و نه تنها برای دهها هزار دموکرات و میهن پرست آذربایجان که بجرم شرکت در این جنبش به بدرآباد و فلک افلاک و بندرعباس و برازجان تبعید شدند بلکه برای همه خلقهای کشور ما و کلیه افراد مترقی و میهن پرست ایران گرامی و فراموش نشدنی است. خاطره جنبش ۲۱ آذر در خلق احساس سربلندی و امید برانگیخته، عزم از پای ننشستن در مبارزه را استوارتر میسازد. ولی دشمنان خلق در نهاد جنبش ۲۱ آذر شبح انتقام خلق را می بینند که بر اطراف اریکه حکومت آنان در گشت و گذار است و بیشک روزی پنجه در گلوی آنها خواهد افکند. حکومت مرتجع ایران پس از ۳۱ سال کشتار آزادیخواهان در آذربایجان هر سال با کین شعله ورتز و دل سوخته تری سرکوب جنبش ۲۱ آذر را بنام "روز نجات آذربایجان" در

ملی آذربایجان، یعنی فعالیت علمی این حکومت و بهره مادی و معنوی که جنبش ۲۱ آذر نصیب توده محروم نمود، یگانه معیاری است که میتواند مبنای قضاوت درست درباره این جنبش قرار گیرد. در مطبوعات و انتشارات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان (از جمله در مجله "دنیا" شماره ۸ سال ۱۳۵۵) این اصلاحات خواه در زمینه اجتماعی و خواه در جهت الغای ستم ملی تصویر و تشریح شده است و در اینجا نیازی به تکرار نیست. برای بیان مختصر خصائص جنبش ۲۱ آذر باید بگوئیم که این جنبشی بود همه خلقی، ضد امپریالیستی، ضد فئودالی، دموکراتیک و انترناسیونالیستی، تحت رهبری یک حزب پیشرو با شرکت و رهبری عده کثیری از رهبران، فعالین و اعضای سابق حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران، جنبشی بود مورد پشتیبانی همه نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی جهان. جنبش ۲۱ آذر نمونه زنده طرد امپریالیسم، استقرار حکومت خلق، حل مسئله اجتماعی و ملی و ایجاد دموکراسی بسود خلق در شرایط مشخص کشور ما بود. باتوجه به همین خصائص بود که حزب توده ایران جنبش ۲۱ آذر را مورد پشتیبانی بیدریغ قرار داد، همه طبقات و اقشار زحمتکش و میهن پرست ایران آنرا تایید نمودند و دهها تن از شریف ترین و مبارزترین افسران ارتش ایران بمقام و امتیازات پشت پازده به قیمت جان خود بجنبش ۲۱ آذر پیوستند. ارتجاع داخلی و امپریالیسم خارجی برای اجرای نیات خصمانه خود علیه جنبش ۲۱ آذر با محاصره اقتصادی و نظامی علیه حکومت ملی آذربایجان، صحنه سازی "دموکرات" مآبانه، مانور و تظاهر حيله گرانه به "توافق"، تحریکات سیاسی و دیپلوماتیک در سازمان ملل، اعزام ستون پنجم جاسوسان و خرابکاران و آدمکشان به آذربایجان و با لایحه لشکرکشی و غرق جنبش ۲۱ آذر در خون دهها هزار دهقان و کارگر و پیشه ور و روشنفکر اکتفا ننموده، ۳۱ سال است که جنگ علیه نفوذ و اعتبار معنوی این جنبش را با شدتی هرچه بیشتر ادامه میدهد. در این سنگر یگانه سلاح ارتجاع افترا، دروغ و تحریف است. حکومت ملی آذربایجان املاک فئودالهای خائن و فراری را بالعوض در میان دهقانان

میکوشد با استفاده از این دستاویز، تبلیغات و تضییقات ضد خلقی را همیشه دامن زند و نگذارد این جهنم خاموش شود. علت علاقه خلل ناپذیر مردم کشور به جنبش ۲۱ آذر و کین خاموش نشدنی ارتجاع و امپریالیسم علیه این جنبش را باید در خود جنبش جستجو کرد. جنبش ۲۱ آذر یک انفجار اجتماعی بود که بر اثر تراکم تضادهای مولود ستم ارتجاع و امپریالیسم در سرتاسر ایران، در شرایط مساعد آذربایجان آنروز بوقوع پیوست - تضادهای که بگفته ولادیمیر ایلیچ لنین طی دهها و صدها سال بوجود آمده و نضج می یابند و در تاریخ انقلاب به یکباره نمایان میگردد. توده مردم که طبقات حاکمه هرگز آنها را بحساب نمی آورند در جنبش ۲۱ آذر بمثابه یک رزمنده مبارز وارد میدان سیاست شدند و فصل کام جدیدی بر حماسه نبرد تاریخی خود در راه آزادی از بردگی افزودند. جنبش ۲۱ آذر که بدست خلق آذربایجان و تحت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان بوقوع پیوست جنبشی بود که بر خواستهای قانونی خلق آذربایجان بااستقلال، دموکراسی و ترقی سرتاسر ایران خدمت میکرد و لذا بهمه مردم ایران تعلق داشت. این جنبش در چنان لحظه تاریخی بپا شد که ایران بر سر دو راهی قرار گرفته بود: مردم ایران میخواستند در شرایط مساعدی که در نتیجه پیروزی تاریخی اتحاد شوروی بر فاشیسم بوجود آمده بود و در زمینه اوج خروشان جنبش کارگری و ضد امپریالیستی که سرتاسر جهان سرمایه داری و مستعمرات را فراگرفته بود، دموکراسی نسبی پس از شهریور را تحکیم نموده بسط دهند و در میهن خود نظام اجتماعی عاد لانه برپا سازند. ولی حکومت مرتجع تهران و حامیان امپریالیستی وی در تدارک آن بودند که پس از پایان شرایط دوران جنگ با یک ضربت دموکراسی نسبی نامبرده را نیز از ایران نابود و دیکتاتوری پلیسی رضاشاهی را از گور بدر آورده از نو زنده کنند. در چنین لحظه پر مسئولیت تاریخی بود که جنبش ۲۱ آذر در آذربایجان (و همچنین جنبش ۲ بهمن در کردستان) پاسخ قاطع همه مردم ایران را در قبال نیات ارتجاع داخلی و امپریالیسم خارجی بیان و راه مردم ایران را بر سر دوراهی انتخاب نمود.

اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکومت

بفکر قطع رابطه با تهران نیستیم. از قوانین عمومی و عادلانه کشورمان اطاعت خواهیم کرد و مجلس شورای ملی و حکومت مرکزی دخالت و شرکت خواهیم نمود". در مقدمه برنامه فرقه دموکرات آذربایجان که در نخستین کنگره آن بتصویب رسید گفته میشود: "... استقرار آزادی، استقلال و رژیم دموکراتیک واقعی در ایران هدف عالی خلق آذربایجان است". بطوریکه می بینیم در اسناد و رهنمودهای جنبش ۲۱ آذر همه جا سخن از ایران و از آذربایجان

در داخل ایران میرود. روح این مطالب راهنمای جنبش ۲۱ آذر قرار گرفت و در ترکیب، فعالیت و موضعگیری حکومت ملی آذربایجان بطرز بارزی خود را نمایان ساخت. مثلا حکومت ملی آذربایجان که مرکب از نخست وزیری و ۱۰ وزارتخانه بود، وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی خارجی نداشت. زیرا حکومت ملی آذربایجان مسائل سیاست خارجی و روابط اقتصادی خارجی را مختص و در صلاحیت حکومت مرکزی ایران میدانست. پرچم سه رنگ ایران همچنان در آذربایجان پرچم رسمی بود و بر با لای اوراق رسمی ادارات حکومت ملی آذربایجان نشان شیروخورشید باقی بود. در زمینه شکل سازمان و ترتیبات حقوقی حکومت ملی آذربایجان دلایل زیادی از این قبیل میتوان ذکر نمود. محتوی فعالیت حکومت ملی آذربایجان افترا را "تجزیه طلبی" را بکلی باطل میسازد. چنانچه در بالا اشاره شد جنبش آذربایجان از خواست تاسیس انجمن های ایالتی و ولایتی آغاز گردید ولی هنگامیکه این خواست قانونی با مقاومت قهرآمیز و تهاجم مسلحانه حکومت ارتجاعی تهران روبرو شد و سرکوب جنبش انقلابی در آذربایجان و همه کانونهای عمده آن در سراسر ایران آغاز گردید، آذربایجان نیز الزاما و علیه ارتجاع مهاجم و مسلح دست باسلحه برد، بزور اسلحه حاکمیت را بدست گرفت، بجای انجمن ایالتی مجلس ملی آذربایجان و بجای استانداری آذربایجان حکومت ملی آذربایجان را تاسیس نمود و ارتش مستقل خود را بنام "ارتش خلقی آذربایجان" بوجود آورد. ولی پس از چند ماه هنگامیکه حکومت مرکزی در مذاکرات با نمایندگان آذربایجان حاضر شد جنبش

تقسی نمود ولی حکومت مرتجع مرکزی که مدافع ملاکان بزرگ بود این عمل عمیقا مشروع و انقلابی را "تهب و غارت اموال مردم" نامید و هنوز هم مینامد و این "مردم" در قاموس ارتجاع گردنکشانی چون ذولفقاری و علی نقی افشار (بیمین لشکر) بود. فرقه دموکرات آذربایجان پس از کوشش فراوان در ماههای شهریور اوایل آبان سال ۱۳۲۴ جهت تفاهم با حکومت مرکزی و حل مسالمت آمیز مسئله دموکراسی از طریق اجرای قانون اساسی و تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی چون از این کوشش نتیجه ای بدست نیاورد و علیه بر آن با تهاجم مسلحانه حکومت مرکزی و ارتجاع محلی مواجه گردید، متعاقباً مجبور به اعمال قهر و استعمال اسلحه شد. ولی حکومت مرتجع مرکزی این عکس العمل منطقی را که محصول سیاست ارتجاعی خود وی بود "تجاسر" نام نهاد. جنبش ۲۱ آذر طبق سرشت خلقی و دموکراتیک خود بمردم آذربایجان در داخل ایران حق خودمختاری داد. بگمان آقایان هیئت حاکمه ایران میبایست حکومت دموکراتیک آذربایجان از مستوفی استاندار رضاشاه و از رژیم پهلوی تقلید نماید و حق اداره خانه خود و خواندن و نوشتن بزبان مادری را از خلق آذربایجان سلب کند. تحریف واقعیات و افترای آشکار علیه جنبش ملی و دموکراتیک ایران پدیده جدیدی نیست. نوشته های "تاریخ نویسان" درباری اشباع از فحش و ناسزا و افترا علیه ستارخان، باقرخان، ملک المتکلمین، میرزا کوچک خان، حیدر عمواوغلی، کنل محمد تقی خان، شیخ محمد خیابانی، دکتر محمد مصدق و دیگر رجال میهن پرست و انقلابی ایرانست. گرچه افتراهای ارتجاع نیازی بافشا ندارد ولی بهرحال سودمند است در اینجا چند مطالبی درباره افترای "تجزیه طلبی" گفته شود.

در بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ که بمناسبت تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان پخش گردیده گفته میشود: "امروز در کشور ما ایران از حاکمیت ملی و مشروطه اثری باقی نمانده است ... خلق آذربایجان باوجود استعداد و نکاویت خود در نتیجه سیاست رجال پوسیده و کثیف مرکزی از هر نوع آزادی و اختیاری محروم گردیده است ... تهران بدردهای ما رسیدگی نمیکند و از تشخیص و چاره آنها عاجز است ... ما

یک کشور آزاد شده بدلیل ملی و یا عنوان دیگر از آن کشور و بکشور دیگری ملحق گردیده است تا آذربایجان هم نمونه دوم آن باشد؛ یگانه هدف جنبش دموکراتیک و انقلابی رهائی خلقها و کشورها از استثمار و استعمار است و غیر. رژیم ارتجاعی بموازات ترور جسمانی مخالفانش بمنظور ترور معنوی و روح کشی میکوش از راه افتراگویی تاریخ انقلابی کشورها را تحریف و لکه دار نماید، جریانه‌ها و نیروهای ملی، دموکراتیک و مترقی را در نظر یکدیگر و مجموع آنها را در نظر مردم ایران از قدر و منزلت ساقط سازد، در دلها نسبت بگذشته انقلابی کشور شبیه و نسبت بآینده یاس و ناامیدی و روحیه تسلیم و درویش مآبی ایجاد کند. ولی نیات رژیم باطل است. زیرا که سمت حرکت تاریخ بسوی آزادی است. نام پر افتخار جنبش ۲۱ آذر همیشه زنده خواهد ماند. حزب توده ایران وارث بهترین سنن انق بی همه خلقهای کشور ما راه برچیدن دیکتاتوری و استقرار دموکراسی را که اتحاد و همکاری همه نیروهای ضد دیکتاتوری است نشان داده، نیروهای ملی و دموکراتیک کشور را بان راه فرا میخواند. برچیدن بساط دیکتاتوری و استقرار دموکراسی در ایران بهترین قدردانی نسل کنونی از شهدای قهرمان ۲۱ آذر و همه جنبشهای ملی و دموکراتیک ایران خواهد بود.

علی گلاویژ

نشریه سیاسی تنوریک "دنیا"، آبان ماه ۱۳۵۶، شماره ۸،

آذربایجان را برسمیت بشناسد و تعهد نمود که دموکراسی را در سرتاسر ایران تعمیم دهد جنبش آذربایجان در قبال این اعترافات و تعهدات حکومت مرکزی در مواضع خود تعدیلات مهمی بعمل آورد: مجلس ملی آذربایجان را بانجمن ایالتی آذربایجان و حکومت ملی آذربایجان را به استانداری آذربایجان مبدل کرد و موافقت نمود نیروهای مسلح آذربایجان داخل ترکیب نیروهای مسلح دولت مرکزی ایران گردد. همچنین در مناسبات مالی و غیره فیما بین آذربایجان و حکومت مرکزی نیز تعدیلات مهمی در همین سمت بعمل آورده شد. واقیعات گواهی میدهد که جنبش ۲۱ آذر مسئله ملی خلق آذربایجان را در تبعیت آزادی همه مردم ایران قرار داد. زیرا دموکراتهای آذربایجان طبق جهان بینی علمی خود اعتقاد داشتند که منافع همه خلقهای ستمدیده ایران جزئی است از مسئله دموکراسی در سرتاسر ایران. ضمنا بیان این نکته نیز بروشن شدن مطلب کمک میکند: اتهام "تجزیه طلبی" که ۳۲ سال پیش فقط "فرضیه" ای بود که میتوان آنرا پیشگویی یک معبر سیاسی ابلیس صفت نامید (زیرا مدعای عمیقاً تحریک آمیزی است که هیچگونه پایه مادی و تجربه علمی در زیربنای خود نداشت)، اکنون پس از ۳۲ سال بی کم و کاست بصورت یک هذیان تاریخی جلوه گر میشود. بر تاریخ تجربی ۳۲ سال گذشته جهان بنگریم، آیا در این مدت حتی یک وجب از خاک

## یک سند تاریخی:

### بیانیه معتمدین و مؤمنین گرگان و ترکمن صحرا

#### در دفاع از دولت خود مختار آذربایجان



آذربایجان برای حفظ آزادی و دموکراسی و استقلال واقعی ایران برخاسته است.

خانین کشور ایران که کلیه راههای مسالمت آمیز را بر روی ملت بسته و توده های رنج دیده این کشور را حتی از مجلس شورای ملی مایوس گردانیده اند بقدری در روش خویش عناد و لجاج به خرج داده اند که بالاخره مردم آرامش طلب مردم

نهاده اند خطور نخواهد کرد. این گونه اتهامات برای فرقه دموکرات اختراع نشده بلکه هر جنبش آزادیخواهی در دنیا با چنین دروغ های شرم آوری که هم یک منشا دارد روبرو گردیده است. اخیرا آقای حکیمی نخست وزیر که چندی زیر ماسک بی طرفی جلوه می کرد نطقی در مجلس شورای ملی ایراد و اتهامات بی شرمانه ای را در مورد آذربایجان تکرار نمود. آقای حکیمی که بالاخره نتوانست با قیافه فریبنده خودش آذربایجان را دو باره به دام بیندازد ناچار لحن خود را تغییر داد و با همان لحنی صحبت کرد که هم دوره ایی های او یعنی ساعد و صدراشرف صحبت کرده بودند. بالاخره همان صدایی که از حلقوم جلاد باغشاه بیرون آمده بود، از حلقوم خشکیده آقای حکیمی هم بیرون آمد و کاملا آشکار شد که این دو نفر موی خود را در خدمت کدام استاد سفید کرده اند.

آقای حکیمی و سایر رفقای او بدانند که با این اتهامات و اقدامات خائنانه مردم آذربایجان و تمام ملت ایران را وادار خواهند کرد در آینده قدم های موثرتر و محکم تری برای احقاق حق خود بر دارند.

سیاستی که آقای حکیمی و امثال او را بر مسند حکومت این کشور گذاشته است، می کوشد که فرزندان عزیز آذربایجان و کسانی را که می خواهند بنیاد محکمی برای ایران آزاد و مستقل بگذارند، لجن مال نمایند. ولی آقای حکیمی و آموزگاران او باید از دنیا پند بگیرند و بفهمند که بیش از این نمی توان توده های رنجبر را فریب داد. آحاد ملت ایران همگی با وجود تمام برای آذربایجان نگرانند و آن خطه را تکیه گاه آزادی و دموکراسی و استقلال واقعی ایران می دانند. اتهامات دشمنان جز اینکه برکینه و خشم ملت نسبت به طبقه حاکمه بیافزاید، ثمره دیگری نخواهد داشت. ما به آقای حکیمی و سایر مسئولین امور اعلام می کنیم که ملت ایران قیام آذربایجان را پیشتاز تامين آزادی و دموکراسی و اجرای صحیح قانون اساسی تشخیص می دهد و با تمام قوای از آن پشتیبانی خواهد کرد.

زنده باد قانون اساسی که خونبهای رشیدترین فرزندان ایران و مخصوصا رزمندگان دلیر آذربایجان است.

زنده باد وطن عزیز ما ایران.

آذربایجان را به اتخاذ طریق شدیدی وادار کردند. بالاخره مردم غیور آذربایجان مجبور شدند برای زنده کردن مشروطیت ایران مانند پدران خویش اسلحه بر دست گیرند تا سرنیزه های مرتجعین آزادی کش را از گلوی خود دور گردانند. آذربایجان می گوید ما به اوضاع و احوال و احتیاجات خودمان از آن بی خبرانی که در مرکز نشسته اند و آنی در فکر ملت نیستند، بهتر آگاهیم و به موجب حدیث شریفه (اهل البیت ادری بمالی البیت) در اداره امور آذربایجان صلاحیت و اهلیت بیشتری داریم. آذربایجان می خواهد با حفظ استقلال و تمامیت ایران در اداره امور داخلی خویش و اجرای اصول فراموش شده قانون اساسی آزادی داشته باشد. بطوریکه انتشارات فرقه دموکرات آذربایجان نشان می دهد، فرقه مذکور به هیچوجه در صدد ایجاد اختلاف میان آذربایجانی و غیر آذربایجانی ها نیست و حفظ تمامیت ارضی ایران را سرلوحه شعارهای خویش قرار داده است. ما در برنامه فرقه دموکرات آذربایجان با کمال روشنی چنین می بینیم که این فرقه جز ریشه کن کردن اختلاس و رشوه و قلدری و رعیت کشی، منظور و مرامی دیگر ندارد و این عمل مقدس را در سرزمینی که مهد انقلاب ایران بوده و برای رستاخیز ملی آماده و مهیا است، آغاز نموده است. از این جهت تمام افراد ملت ایران و کلیه کسانی که به این کشور کهن سال علاقه دارند به جنبش آذربایجان با نظر خوشبینی و امیدواری نگاه می کنند. اما بدیهی است که نوای روحبخش آذربایجان بگوش و ذهن ملت ایران خوش آمده است. زیرا که آزادی ملت به آنها اجازه نخواهد داد که دیگر بساط زورگویی و مردم کشی بگسترند. از این جهت طبقه حاکمه مرتجع با تمام وسایلی که در اختیار دارد می کوشد که جنبش مردانه آذربایجان را با افتراعات نا جوانمردانه خود آلوده کرده و فرقه دموکرات آذربایجان را به تمایلات تجزیه طلبی متهم سازد. اما کدام عقل سلیم باور می کند که فرزندان غیور آذربایجان و وارثان دلاورانی مانند ستارخان و باقرخان هرگز خیال خاک وطن را از خاطر بگذرانند و این خیال که پرورده مغزهای فاسد طبقه حاکمه ماست جزبه خاطر این طبقه وطن فروش که سال هاست ناموس میهن را در مقابل بیگانگان بر طبق اخلاص



کلامی، عبدالله معززی، نصرت الله معززی، سیف الله معززی، محمد فاریابی، قرباعلی بیاتی، ساری ساتانلیق، محمد ترابی، مرادی، حسین امینیان، ایران پور، ملا رجب، ولی، نورقلیچ نوبتی، آخوندی، بردی محمد قاری، ارازنیاز آخون، نظر محمد آخون، یوسف قره جه، عبدالله تاتاری، قرینجیک، محمد ول آخون، محمد اراز، صفا ایشان، آنه گلدی اوستاد(اوستا)(1) ، صوفی قاری، شاه گلدی بابا نیازی، (نوری) قناعتی(2)، محمود سرابی، رحمان رحمانی، آنا محمد قاضی پور، آنا قربان شیرمحمدی، چاری نمازی - [فامیل اصلی اش «اوسته» است یعنی همان استاد. 2- اسم آقای قناعتی، نوری است .

تعدادی از امضا کنندگان، توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند

زنده باد استقلال و تمامیت خاک ایران.  
درود بر دلیران آذربایجان که برای تامین آزادی و دموکراسی قیام نموده اند.

امضای اسامی معتمدین و مؤمنین گرگان و ترکمن صحرا  
آقا شیخ رحیم ذبیحی، سید هاشم بنی هاشمی، حاج محمد رحیم باقری، علی اکبر خان معززی، میرولی الله خان میرفندرسکی، حبیب الله مقصدلو، حاج طاهر مساوات، حاج محمد اسماعیل ابراهیمی، حاج غلام حسین ولی کریمی، حاج یوسف فرخنده، حسین علی رهنما، حاج سیدصادق میرکریمی، حاج سیدعلی شیرنگی، الله یار معززی، حاج محمد اسمعیل سالک، فتح الله حسینی، کربلایی محمد باقر باقری، داود عقیلی، حاج لطف الله عقیلی، سلیمان کسپایی، محمد کیانی، محمد شیخ نظری، سید کاظم میر کاظمی، کاشف استرآبادی،

## آذربایجان ملی حکومتین فدائی

### دکتر ابولحسن رحمانی

(۱۹۱۰ - ۱۹۸۷)



۱۹۲۵- جی ایلدن ۱۹۳۷ - جی ایلده قدر عالی تحصیل

آلیب تحصیلینی بیتیرندن سونرا تهراندا خدمت اندیر.

۱۹۴۵- جی ایلده ایران اوردوسونون سیرالاریندا آکتیو

ابولحسن رحمانی ۱۹۱۰ - جو ایلده تبریزده آنادان اولموشدور. آتاسی علی رحمانی، "زرغام هومایون" لقبی ایلده ستارخان حرکاتینین فعال ایشتیراکچیلاریندان بیری اولموشدور.

ابولحسن رحمانی اورتا مکتبی تبریز شهرینده بیتیرمیشدیر. ۱۹۲۷ - جی ایلده ایران کومونیست پارتیاسینین عضو اولموشدور. ۱۹۲۸ - جی ایلده موسکوا دولت اونیورسیتتینه داخل اولموش و ۱۹۳۱ - جی ایلده همین اونیورسیتتینی بیتیرمیشدیر.

۱۹۳۱ - جی ایلده ایرانا قاپیدیب و حبس اولونور. بیر نچه آیدان سونرا آزاد اولور و اوردویا گوندربلیر. افسرلیک ( زابتلیک) مکتبینی بیتیرندن سونرا ایران اوردوسوندا خدمت اندیر.



مؤوضوسوندا نامیزدلیک دیسسئرتاسیاسینی مدافعه ائتمیشدیر.

۱۹۷۱- جی ایله ایسه "آذربایجان ۱۶ عصرین اورتالاریندان ۱۷ عصره قدر" مؤوضوسوندا دوکتورلوق ایشینی اوغورلا مدافعه ائتمیشدیر.

رحمانی ابولحسن ۱۹۴۶ - جی ایلدن ۱۹۸۷ - جی ایله قدر آذربایجان دمکرات فرقه‌سینین فعال عضو و لوموشدور. بیر نچه ایل آذربایجاندا پاشایان سیاسی مهاجرلرین رهبری اولوب. دفعه‌لرله علمی - پراکتیک کونفرانس‌لاردا اشتراک اندیب، چوخلو سایدا معروضه لری و علمی مقاله‌لری درج اولونوب.

۱۹۹۲ - جی ایله ابولحسن رحمانین یازدیغی آذربایجانین ۱۷ عصره عائد خریته سی "تاریخی - جغرافیایا" کیتابیندا درج اولونوب، آذربایجان حکومتین عالی مکافاتا تقدیم اولونموشدور.

ابولحسن رحمانی ۱۹۸۷ - جی ایله اوکتابر آیینین ۱۴ - ده وفات ائتمیش، باکی‌دا یاسامال قبری یستانلیغیندا دفن ائدیلمیشدیر.

انقلابی فعالیتینه گؤره حبس ائدیلمیش و کیرمان شهرینه سورگون ائدیلمیش.

آزاد اولونان سونرا ایران اوردوسونو ترک اندرک، آذربایجان ملی اوردوسوندا فعال اشتراک ائدیر.

۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ - جی ایلرده آذربایجان ملی حکومتین خلق قوشونلارینین کادر شعبه‌سینین رئیسی و ظیفه سینده ایشلیب.

۱۹۴۶ - جی ایلین دکابر آییندا آذربایجان ملی حکومتین سوقوطنان سونرا شمالی آذربایجانا مهاجرت ائدیر. ۱۹۴۷ - جی ایلدن ۱۹۵۱ - جی ایله قدر عالی پارتییا مکتبینه تحصیل آلمیشدیر.

۱۹۵۱ - جی ایلدن ۱۹۵۳ - جو ایله قدر آذربایجان رادیو اینفورماسییا کمیته سینین ایران بؤلمه‌سینین (فارس و آذربایجان دیلیندن) ترجمه‌چیسو و رنداکتورو ایشله‌یب.

۱۹۵۳ - جو ایلدن آذربایجان علملر آکادیمیاسی تاریخ اینستیتوتوندا ایشلمیشدیر.

۱۹۵۹ - جو ایله "تاریخ - ای عالم آرایه - ایبایسی"

اگر هر کس تلاش می کرد که گلیم خود را از آب بیرون بکشد، شخصیت های بزرگ، قهرمانان فداکار و انسان های رشیدی که جان خود را در راه وطن و ملت فدا کردند، بوجود نمی آمدند. این فداکاری فقط محصول دانش، فرهنگ و تشکیلات است. ما باید عادت کنیم که منافع توده مردم را بر منافع خود ترجیح دهیم و از این طریق خلقمان را از فلاکت آزاد کنیم.

سید جعفر پیشه‌وری

Azərbaycan qəzeti  
5- ci dövr 161-ci nömrə Dekabr 2021  
Qəzet təhriyə heyəti tərəfinfən nəşr olunur.  
www.adfmk.com

قزنت تحریریه هنیتی طرفیندن نشر اولونور  
قزنتین آتیریپ، یاییمی آزاددیر  
E- mail info @ adfmk.com